

## نقش ژئوپلیتیکی رودخانه و ژئواکونومی بازارچه مرزی در برقراری امنیت

### اجتماعی شهرستان هیرمند و روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان

دکتر مجید معصومی<sup>۱</sup>، دکتر بهناز اژدری<sup>۲</sup>، محمد جواد ملکوتی<sup>۳</sup>

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی  
سال اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۲

از صفحه ۶۷ تا ۹۸

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۲۱  
تاریخ پذیرش: ۹۲/۰۹/۲۴

#### چکیده

شهرستان مرزی هیرمند که در شمال شرق استان سیستان و بلوچستان قرار دارد به دلیل هم‌مرز بودن با کشور افغانستان و وجود رودخانه و بازارچه مرزی به عنوان دو عامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی از اهمیت بسزایی برخوردار است. بنابراین سؤال مطرح شده در این پژوهش این است که آیا رودخانه و بازارچه مرزی شهرستان هیرمند به عنوان دو عامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی این شهرستان در برقراری امنیت اجتماعی شهرستان هیرمند و روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان تأثیر گذار بوده است؟ با توجه به سؤال مطرح شده، فرضیه اصلی مطرح شده بدین گونه است که به نظر می‌رسد؛ با توجه به فقدان راه‌های تجاری دیگر میان ایران و افغانستان عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی شهرستان هیرمند در روند رشد روابط اقتصادی و برقراری امنیت در این شهرستان مؤثر بوده است. از سوی دیگر قرار گرفتن رود هیرمند به عنوان مرز و قراردادهایی که با دخالت دولت‌های دیگر میان ایران و افغانستان بسته شده است، خود اهمیت امنیتی این موضوع را نشان می‌دهد. در نتیجه می‌توان گفت که وابستگی متقابل دو کشور به دلیل قرار گرفتن رود هیرمند به عنوان مرز و نیاز افغانستان به منابع اقتصادی ایران از طریق بازارچه مرزی و ترانزیت کالا باعث ایجاد و گسترش روابط سیاسی و اقتصادی میان ایران و افغانستان شده است. در این پژوهش سعی شده با استفاده از روش تحقیق علی و شیوهی بررسی اسناد و کتابخانه‌ای و ابزار فیش برداری، برقراری امنیت اجتماعی در شهرستان هیرمند و حکمیت‌ها و قراردادهای میان دو کشور وبا مصاحبه و جمع آوری آمار و اطلاعات اقتصادی به بررسی و تجزیه و تحلیل روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان پرداخته شده است.

#### کلید واژه‌ها

ژئوپلیتیک، ژئواکونومی، رودخانه مرزی، امنیت، بازارچه مرزی، افغانستان.

۱ - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بافت، گروه علوم سیاسی، بافت، ایران

۲ - استادیار علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بافت، گروه علوم سیاسی، بافت، ایران

۳ - دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بافت، ایران نویسنده مسئول m\_javad.malakooti@yahoo.com

## مقدمه

شهرستان مرزی هیرمند که در منطقه جنوب شرق ایران قرار گرفته از طرف شرق و شمال با کشور افغانستان، غرب با شهرستان زابل و از طرف جنوب و جنوب شرق با شهرستان زهک و کشور افغانستان هم مرز می‌باشد. شهرستان هیرمند یکی از نقاط راهبردی و حساس استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. مرز طولانی و مشترک با کشور افغانستان و وجود رودخانه هیرمند و قرار گرفتن ورودی آب هیرمند به دریاچه هامون در خاک جمهوری اسلامی ایران موقعیتی حساس و سوق الجیشی به آن بخشیده است. همکاری بین کشورهای منابع آب به میزان زیادی با روابط سیاسی، اقتصادی و میزان اطمینان و اعتماد سیاسی طرفین به یکدیگر ارتباط دارد، زمانی که کشورهای حاشیه رودخانه دیدگاه‌های سیاسی مشترک داشته باشند یا روابط اقتصادی و تجاری گسترده‌ای با یکدیگر داشته باشند. این عامل امکان همکاری و در نهایت دستیابی به توافق بین آنها را افزایش می‌دهد. برعکس زمانی که کشورهای حاشیه رود فاقد روابط سیاسی، اقتصادی گسترده‌ای باشند و یا تاریخچه‌ای از خصومت بین آنها وجود داشته باشد، این عوامل در نهایت منجر به عدم اعتماد سیاسی بین کشورهای حاشیه رود می‌شود که احتمال همکاری را کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی می‌توان از آب و یا عوامل ژئوپلیتیکی و تجاری برای تحت فشار قرار دادن کشورها از آنها استفاده کرد. تداوم همکاری بین کشورهای حاشیه رودخانه نیازمند دستیابی به توافق تمام کشورهای آن و تقسیم منصفانه آب بین آنها است. وجود موقعیت یاد شده و اشتراکات قومی و طایفه‌ای در دو سوی مرز مراودات دو جانبه را به دنبال آورده و از دیرباز تجارت و معاملات پایا یک امر مهم در منطقه بوده است، همچنین عبور جاده ترانزیت چابهار به میلک از محدوده شهرستان قرار گرفتن پایانه مرزی میلک در بازارچه های مرزی میلک، گمشاد و گلشاه علاوه بر اهمیت منطقه آن را برای تحولات عظیم اقتصادی و اجتماعی آماده می‌کند.

بازارچه مرزی میلک بین مرز ایران و افغانستان واقع شده است که از طریق آن مبادلات بین دو کشور صورت می‌گیرد. این بازارچه براساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی و در راستای اهداف گوناگون سیاسی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ایجاد شد و

یکی از اهداف مهم آن رسمی کردن مبادلات بین ایران و کشور همسایه افغانستان بود. این بازارچه در جوار روستای میلک و در مجاورت رودخانه مرزی پریان مشترک و در نزدیکی شهر زرنج مرکز ولایت نیمروز افغانستان قرار دارد. در اهمیت منطقه میلک باید گفت که به دنبال تحولات افغانستان و برقراری روابط سیاسی در راستای برقراری مبادلات تجاری و بازرگانی حسب تصمیمات دولت‌های دو کشور پل مرزی میلک که می‌تواند در رونق تجاری و اقتصادی و ترانزیت منطقه مفید و مؤثر باشد. در جوار بازارچه مرزی میلک افتتاح و مورد بهره برداری تجار و بازرگانان قرار گرفت. بررسی و مطالعه در منطقه مرزی هیرمند و پژوهش هر چه بیشتر در مورد عوامل سیاسی، اقتصادی که رابطه بین ایران و افغانستان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و میزان اهمیت ژئوپلیتیکی شهرستان مرزی هیرمند که منطقه‌ای حساس به لحاظ نزدیکی بیش از حد به مرز ایران و افغانستان و وجود رود مشترک پریان در منطقه مرزی و ایجاد بازارچه مرزی برای برقراری روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان اهمیت هر چه بیشتر این پژوهش را نشان می‌دهد و اینکه این عوامل چه تأثیری می‌تواند بر روابط سیاسی، اقتصادی بین ایران و افغانستان داشته باشد. بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر عبارت است از:

### سؤال اصلی:

آیا رودخانه و بازارچه مرزی شهرستان هیرمند به عنوان دو عامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی این شهرستان در برقراری امنیت اجتماعی شهرستان هیرمند و روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان تأثیر گذار بوده است؟ با توجه به سؤال فوق فرضیه زیر جبرای محدودسازی تحقیق در نظر گرفته شده است.

به نظر می‌رسد (با توجه به فقدان راه‌های تجاری دیگر میان ایران و افغانستان) عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی شهرستان هیرمند در روند رشد روابط اقتصادی و برقراری امنیت در این شهرستان مؤثر بوده است.

### روش انجام تحقیق

روش پژوهش، علی است که از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای با رویکردی تاریخی اطلاعات مورد نیاز از وقایع و حوادث مربوط به دو کشور تحت تأثیر عوامل ژئوپلیتیکی

شهرستان مرزی هیرمند جمع‌آوری شده و ابزار گردآوری اطلاعات فیش‌برداری و مصاحبه و روش تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر روش توصیفی - تحلیلی است.

## مبانی نظری تحقیق

### چارچوب نظری

شهرستان مرزی هیرمند به دلیل قرارگرفتن در نقطه صفر مرزی ایران و افغانستان و وجود عوامل ژئوپلیتیکی که همان رودخانه هیرمند است، باعث تعاملات و تنش‌های زیادی طی دوره‌های مختلف بین دو کشور به وجود آمده است و همچنین بازارچه مرزی که عامل ژئواکونومی برای ایران محسوب می‌شود، شکل نوینی از هژمونی را در قالب توان اقتصادی بین ایران و افغانستان شکل داده است. اقتصاد همواره عامل تعیین‌کننده سیاست داخلی و خارجی دولت‌ها بوده است که در واقع این عامل اکنون به اهرم پر قدرتی برای تأثیرگذاری در سیاست تبدیل شده است. امروزه اقتصاد یکی از عوامل قدرت است و منافع سیاسی کشورها تابع منافع اقتصادی آن‌ها است. بنابراین با توجه به اهمیت این منطقه چارچوب نظری پژوهش انجام شده بر اساس ژئوپلیتیک همکاری که رویکردی منطقی و منطبق با واقعیت‌های ژئوپلیتیکی کشورها در راستای تعامل با یکدیگر می‌باشد و ژئوپلیتیک مشاجره که متأثر کردن سیاستیک کشور با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیای آن در نظر گرفته شده است. به عبارت دیگر مشخصاً این پژوهش به تأثیرگذاری رودخانه مرزی هیرمند به عنوان عامل ژئوپلیتیکی و بازارچه مرزی که عامل ژئواکونومی ایران است، بر اساس ژئوپلیتیک همکاری و مشاجره برای بررسی روابط سیاسی و اقتصادی بین ایران و افغانستان مورد استفاده قرار گرفته است.

**مرز:** مرزهای سیاسی مهم‌ترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل از واحدهای دیگر است (میر حیدر، ۱۳۷۱: ۴۱). خطوط مرزی همچنین نشان‌دهنده حد نهایی اعمال اراده سیاسی حکومت و سطح تماس فضایی دو نظام سیاسی همجوار می‌باشد (حافظ‌نیا، ۱۳۷۹: ۱۳۴). به عقیده پیترو تیلور مرز مفهومی از بیرون به درون است و خط مشخصی است که جدایی را نشان می‌دهد. مارتین گلاسز اعتقاد دارد که مرز یک خط نیست بلکه یک سطح است؛ یک سطح عمودی که از طریق فضا، خاک و زیر زمین، دولت‌های

همسایه را برش می‌دهد. این سطح در روی زمین به صورت یک خط به نظر می‌رسد (گلاسنر،<sup>۱</sup> ۱۹۹۲: ۷۲).

در یک جمع‌بندی کلی، مرز خط مشخصی است که جدا کننده دو واحد سیاسی از یکدیگر بوده و این خط به عنوان یک مانع عمل کرده و به صورت یک سطح در فضا و زیرزمین کشیده می‌شود. هرچند که مرز به تنهایی دارای یک نقش و کارکرد و آن تعیین حدود منطقه‌ای است که در داخل آن یک نوع قدرت اعمال می‌شود، ولی به محض آن که یک منطقه مرزی و یا خط مرزی به وجود آمد، می‌تواند نه تنها منظره طبیعی را که جزیی از آن بشمار می‌رود، بلکه عمران و سیاست‌های کشورهای مجاور را نیز تحت تأثیر قرار دهد (پرسکات، ۱۳۵۸: ۶۱).

**بازارچه مرزی:** بازارچه مرزی محوطه‌ای است، محصور واقع در نقطه صفر مرزی و در جوار گمرکات، مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا یا مکان‌هایی که طبق تفاهم‌نامه‌های منعقد شده بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همجوار تعیین می‌شود. اهالی دو طرف مرز می‌توانند کالاها و محصولات مورد نیاز را با رعایت مقررات صادرات و واردات و ضوابط مقرر در آن قانون برای داد و ستد در بازارچه‌ها عرضه کنند (بینا، ۱۳۸۷: ۳۰).

**تعریف امنیت:**<sup>۲</sup> امنیت از ریشه لاتین *Securus* است که در لغت به معنای نداشتن دلهره و دغدغه است. بنابراین معنای لغوی امنیت، رهایی از تشویش، اضطراب، ترس (نصری، ۱۳۸۱: ۱۱۴) یا احساس آرامش و اطمینان خاطر است. احساس آرامش و اطمینان از عدم تعرض به جان، مال، کار و سایر حقوق انسان است. این ارزش انحصاری، یکی از ضرورت‌های زندگی فردی و اجتماعی است. امنیت عبارت است از؛ اطمینان خاطر که بر اساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند. امنیت پیش از آن که مقوله‌ای قابل تعریف باشد، پدیده‌ای ادراکی و احساسی است (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲).

۱- Glassner

۲ - Security

**امنیت اجتماعی:** کارل دبلیو دویچ<sup>۱</sup> در تعریف امنیت اجتماعی می‌گوید؛ منظور از امنیت اجتماعی، گروه همبسته‌ای<sup>۲</sup> از مردم در یک سرزمین (قلمرو) در امتداد زمانی است که دارای احساس جمعی بسط یافته و نهادی شده، آداب و رسوم فراگیر، قدرتمند و به اندازه کافی قابل اطمینان بوده و حیات اجتماعی را در زمانی طولانی بیمه می‌کند و تغییرات آرام توأم با انتظارات قابل پیش‌بینی را در میان مردمش تجربه می‌کند (گوفشل،<sup>۳</sup> ۱۹۹۹). وی در تعریف کاربردی خویش، امنیت اجتماعی را برابر با سطح توسعه انسانی و سطح نابرابری اقتصادی در نظر می‌گیرد می‌کند (گوفشل، ۱۹۹۹). گکز<sup>۳</sup> (۱۹۹۹) معتقد است؛ امنیت اجتماعی در یک مفهوم وسیع، حقوق بشر، توسعه، مسائل جنسیتی و موارد دیگری را که به آن برچسب امنیت انسانی زده می‌شود، دربر می‌گیرد. وی علاوه بر مؤلفه‌های اخیر، مؤلفه‌های دیگری نظیر عدالت در سطح ملی، ریشه‌کن کردن فقر، آزادی نسل‌های آتی برای به ارث بردن یک محیط سالم را مطرح می‌کند. آلکایر<sup>۴</sup> (۲۰۰۵) در تعریف خود از ناامنی اجتماعی، بر تهدیدات خشونت‌های داخلی، بحران‌های مالی، فقر، جنگ و رفتارهای جنایی (مجرمانه) متمرکز شده است می‌کند (گوفشل،<sup>۴</sup> ۱۹۹۹).

**امنیت اقتصادی:** وضعیتی که در آن واحدهای تولیدی بتوانند بدون نگرانی از خطرات محیطی برنامه‌ریزی بلندمدت داشته باشند یا مجموعه‌ای از شرایط، عوامل و ساختارهای اجتماعی که باعث دلگرمی، آسایش خیال، ذوق و شوق مردم به کار و کوشش، فعالیت به آینده می‌شود و یا اینکه چارچوب نهادینه‌ای از شرایط سیاسی، اجتماعی و حقوقی که اعتماد پس‌انداز کنندگان را جلب کرده و امنیت جانی افراد و امنیت حقوقی معاملات را افزایش می‌دهد (لطفی و آرزوی، ۱۳۸۹: ۲۸۸).

**بازارچه‌های مرزی و امنیت:** یکی از ویژگی‌های تشکیل بازارچه مرزی مساله امنیت است. بازارچه‌های مرزی با توجه به ساختارشان توانسته‌اند که مساله امنیت مرزها را تا

۱ - Karl W.Deutsh

۲ - Integrated

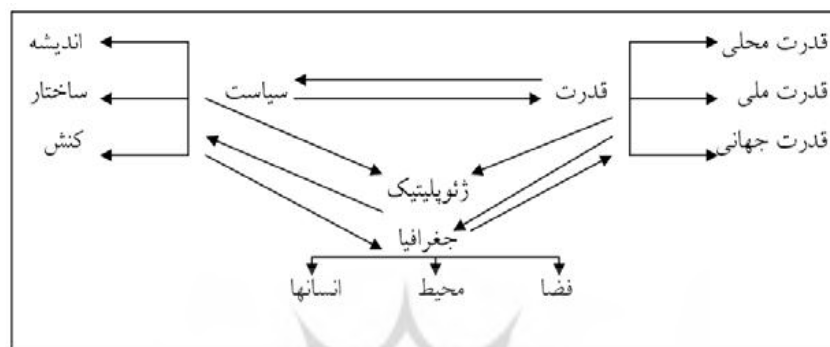
۳ - Goetschel

۴ - Goetschel

حدودی برآورده کنند و این مساله روی شرایط اقتصادی مناطق مرزی تأثیر به‌سزایی داشته است، چراکه تشکیل بازارچه‌های مرزی به تأمین نیازمندی‌های اساسی مرزنشینان با قیمت‌های مناسب کمک کرده و گذشته از آن راهی برای صدور کالاهای غیر نفتی است که زمینه اشتغال برای مرزنشینان فراهم می‌کند. نیروهای انسانی فاقد شغل در مناطق مرزی اهرمی است در دست دشمن که با کمک این اهرم می‌تواند مقاصد خود را بر علیه دولت به دست نیروهای همان کشور انجام دهد (فتح الهی و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۸).

ژئوپلیتیک: ژئوپلیتیک یعنی توجیه و تفهیم موضوعات مربوط به سیاست، با توجه به داده‌های جغرافیایی. همچنین ژئوپلیتیک دانشی است که انسانیت را در داخل روابط متقابل با عامل مکان مورد بررسی قرار می‌دهد. ژئوپلیتیک که معادل فارسی آن «سیاست جغرافیایی» است، رویکردی است در سیاست بین‌الملل که سعی دارد رفتار سیاسی و توانایی‌های نظامی را بر حسب محیط طبیعی توضیح دهد. بر اساس این رویکرد، ژئوپلیتیک با درجات مختلف، بیانگر تأثیر قطعی جغرافیا بر امور تاریخی و سیاسی است (پلانو و اولتون،<sup>۱</sup> ۱۹۸۸: ۹۸). بنابراین بیشتر ژئوپلیتیک توجه خود را بر عوامل جغرافیایی که در شکل‌گیری سیاست‌ها مؤثرند معطوف می‌دارد (میر حیدر، ۱۳۶۹: ۱۸). در واقع دانشی است که روابط میان دولت و سیاست‌های آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. در عین حال، ژئوپلیتیک یک نشان مشخص چند بعدی جهانی نیز دارد (جهانی در بعد جغرافیایی و مفهومی) که بیشتر دیدنی است تا لفظی و شفاهی و بیشتر عینی و مستقل است تا ذهنی و خیالی (اتوتایل، ۱۳۸۰: ۲۱). تعریف علمی ژئوپلیتیک در قالب مفهومی ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلت ذاتی هستند و در واقع موضوعها و پدیده‌های مورد توجه ژئوپلیتیک به گونه‌ای با این سه عنصر ارتباط پیدا می‌کنند (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۸۵ - ۸۴). ترکیب این سه مؤلفه، الگوهای رفتاری گروه‌های انسانی را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کند و می‌تواند مبنای فلسفی پایداری برای ژئوپلیتیک به حساب آید.

به این ترتیب، روابط متقابل این متغیرها و رفتار گروه های انسانی در قبال یکدیگر بر پایه ترکیب جغرافیا، قدرت و سیاست موضوع ژئوپلیتیک را تشکیل می دهد. بنابراین می توان گفت؛ ژئوپلیتیک عبارت است از علم روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷).



منبع: حافظ نیا، ۱۳۸۶

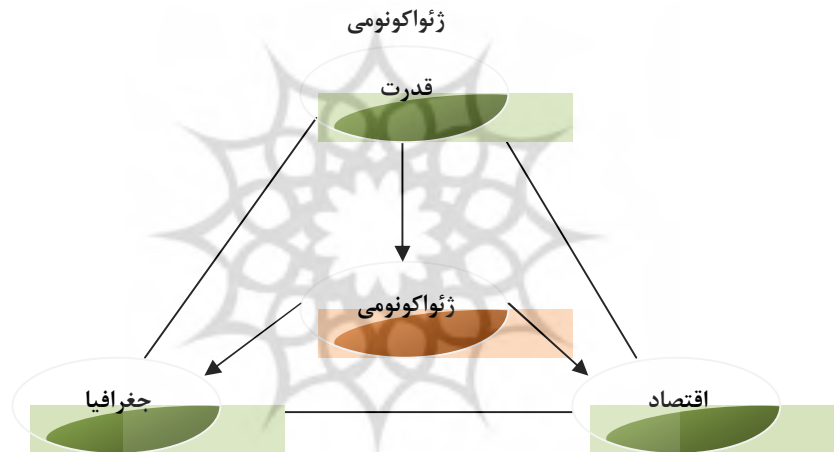
ژئوپلیتیک همکاری: ژئوپلیتیک همکاری یعنی همگرایی و رویکرد هم تکمیلی بازیگران برای استفاده از تمام پتانسیلها و عوامل مثبت و متغیر ژئوپلیتیکی با هدف حفظ استقلال و تمامیت ارضی، وحدت و امنیت ملی و تمام ارزشهای حیاتی یک دولت-ملت؛ به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک همکاری به نوعی رویکردهای منطقی و منطبق با واقعیتهای ژئوپلیتیکی کشورها در راستای مسامحه با یکدیگر است (کامران، ۱۳۸۹: ۹).

ژئوپلیتیک مشاجره: زمانی که استقلال و تمامیت ارضی، وحدت و امنیت ملی و ارزشهای اساسی یک دولت - ملت به فضاهای جغرافیایی و سیاست ملل دیگر پیوند می خورد، منابع ژئوپلیتیک مشاجره شکل می گیرند (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۲۱). ژئوپلیتیک مشاجره به نوعی تعبیر چالشهای ژئوپلیتیکی است؛ یعنی ایجاد وضعیت برای یک دولت یا کشور برپایه عوامل مثبت و متغیر ژئوپلیتیکی و متأثر کردن سیاست آن کشور با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیایی (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۱).

ژئواکونومی: با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی تغییرات عمدهای در حوزه مفهومی ژئوپلیتیک روی داد. به گونه ای که ژئوپلیتیک از رهیافت نظامی و ژئواستراتژیک،



رویکردی ژئواکونومیک یافت. ادوارد لوتواک<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۰ پارادایم ژئواکونومی را با مفهوم گسترده وارد علوم جغرافیایی و سیاسی کرد (نامی، ۱۳۸۸: ۴۳). در تعریف ژئواکونومی باید چنین گفت که ژئواکونومی یعنی زمینه‌های اقتصاد پایه، یعنی سرزمین‌هایی که در اقتصاد جهانی نقش دارند. در حقیقت ژئواکونومی از ترکیب سه عنصر جغرافیا، قدرت و اقتصاد شکل گرفته است و به نظر می‌رسد، سیاست که عاملی مهم در ژئوپلیتیک بوده جای خود را به اقتصاد داده است. اما این موضوع به این معنا است که ژئواکونومی چیزی غیر از ژئوپلیتیک و یا در برابر ژئوپلیتیک است، بلکه ژئواکونومی جزیی از ژئوپلیتیک و یکی از اندیشه‌های ژئوپلیتیک در عصر حاضر است (عزتی، ۱۳۸۵: ۲۹).



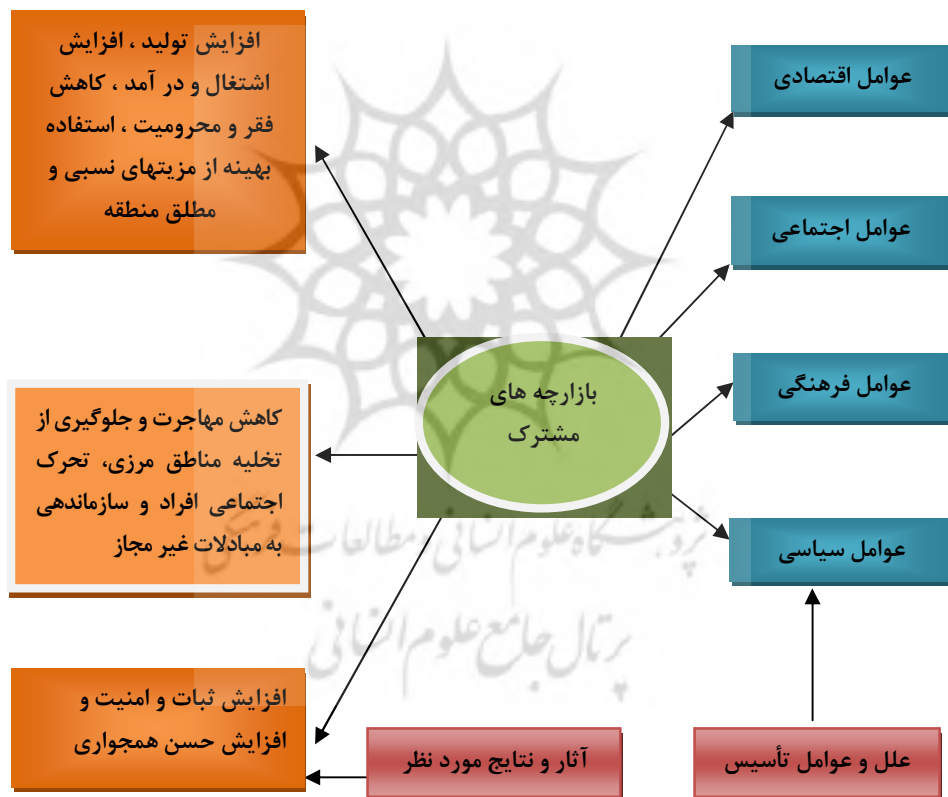
منبع: عزتی، ویسی، ۱۳۸۵: ۲۹

**کارکردها (اهداف) بازارچه های مرزی:** در واقع بازارچه‌های مرزی بخشی از بازرگانی خارجی کشور است که برای مبادلات مرزی مردم منطقه مرزنشین در نظر گرفته شده است. با در نظر گرفتن قوانین و مقررات مربوط به صادرات و واردات کشور برای فعالیت‌های تجاری این افراد و گروه‌هایی که می‌خواهند در این بازارچه ها فعالیت کنند تسهیلات ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. از جمله اهداف بازارچه‌های مرزی امکان برقراری ارتباط سالم و مستمر تجاری با کشورهای همسایه، ایجاد رونق اقتصادی،

۱ - Edvard N.Luttwak.

بالا بردن ضریب امنیتی مرزهای کشور، شکوفایی استعداد های اقتصادی، تجاری و تولیدی محلی، ایجاد و گسترش مشاغل مولد می باشد. به فعلیت درآمدن این شاخص ها ضمن جلوگیری از مهاجرت ساکنان مناطق مرزی و افزایش رفاه و توسعه مناسبات سیاسی و تجاری با کشورهای همسایه، جلوی رشد قاچاق را هم می گیرد.

به هر حال طرح ایجاد بازارچه های مشترک مرزی در راستای تعمیم سیاست های راهبردی توسعه و تثبیت منطقه مرزنشین و همسو کردن این مناطق با خط مشی های تعریف شده در برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشورمان آغاز به کار کرده است (بودا قی، ۱۳۷۹: ۳۳).



منبع: پیر بودا قی، ۱۳۷۹: ۳۴

## پیشینه تحقیق

### ویژگی‌های جغرافیایی رود هیرمند:

از آن جا که روابط مرزی ایران و افغانستان از ایام دور بستگی به حقایق رود هیرمند داشته است، در ابتدا لازم است به بیان هیدرولوژی این رودخانه بپردازیم. نام رودخانه از فارسی کهن و ترکیبی از کلمه (هیر) به معنای آب در فارسی پیش از اسلام و پسوند (مند) به معنای دارندگی و فراوانی است. بنابراین هیرمند به معنای رود سرشار از آب است. مرز جمهوری اسلامی ایران و افغانستان از کوه ملک سیاه در نقطه مرزی مشترک ایران و افغانستان و پاکستان شروع می‌شود و تا دهانه ذوالفقار نقطه مرزی مشترک ایران و افغانستان امتداد می‌یابد که شمال ۶۱۹ کیلومتر مرز مشترک ایران و افغانستان با خراسان است. قسمت وسیعی از خاک افغانستان را بیشتر در شمال و شرق کشور، کوه‌ها و سنگلاخ‌ها پوشانده است (تحلیل رژیم جریان رود هیرمند: ۸۱). محققان و کارشناسان نیز در مورد عظمت هیرمند نظراتی را عنوان نمودند: به عنوان مثال کلنل مکماهون که به علت نوع فعالیتش اطلاعات ارزشمندی در مورد رود هیرمند دارد، عنوان می‌کند که در جنوب قاره آسیا بین دجله و سند رود هیرمند بزرگترین رودخانه به شمار می‌رود (احمدی، ۱۳۷۸: ۳۷۴). هیرمند با طولی نزدیک به ۱۴۰۰ کیلومتر از رشته کوه‌های هندوکش و ارتفاعات کوه بابا در ۴۰ کیلومتری جنوب باختری کابل سرچشمه می‌گیرد و رو به سوی جنوب باختری به طرف مرز ایران و افغانستان روان می‌شود و در نقطه‌ای به مختصات طول حدود ۶۱ درجه و ۴۶ دقیقه، عرض حدود ۳۰ درجه و ۴۸ دقیقه به مرز ایران و افغانستان وارد می‌گردد (جعفری، ۱۳۷۶: ۴۸۳). رودخانه هیرمند از به هم پیوستن دو شاخه اصلی آن به نام ارغنداب و کجکی در محلی به نام قلعه بست تشکیل می‌شود (فخاری، ۱۳۷۱: ۷۶). این رودخانه قبل از اینکه به جلگه باز در اراضی کوهستانی نزدیک (گرشک) برسد، در جهت جنوب غربی جریان دارد. ولی بعد از گرشک به اراضی پستی که طول آن در امتداد رودخانه و بین دو مجرای وسیع واقع است وارد می‌شود و

به شکل قوسی، جنوب غربی افغانستان را تا بند کمال خان طی می‌کند. در این نقطه به سمت شمال پیچیده، سپس در حدود ۴۰ مایلی شمال در محلی به نام کوهک در



مرز ایران (بند سیستان) به دو رشته اصلی تقسیم می‌شود که یکی به سمت شمال و دیگری به سمت شمال غربی جریان دارد و آب آن‌ها به دریاچه‌های معروف هامون می‌ریزد (بای، ۱۳۸۴: ۱۰۶ - ۱۰۵).

### یافته‌های پژوهش:

#### نقش رود هیرمند به عنوان مرز در روابط سیاسی بین ایران با افغانستان

ایران و افغانستان در چشم انداز تاریخی خود به دلیل قرار داشتن در گهواره طبیعی واحد یعنی فلات ایران، اجزای تفکیک ناپذیری بودند و از این رو از تجانس نسبی بالایی برخوردار بوده، بیش از هر ملتی به یکدیگر نزدیک هستند. اندیشه تفکیک آن دو به اواسط قرن هجدهم م. برمی‌گردد. نادر، پادشاه ایران، در سال ۱۷۴۷ کشته شد و احمد شاه درانی که از سرداران برجسته او بود در شهر قندهار، مرکز قوم پشتون، به صورت رسمی دولت مستقلی را تشکیل داد (شیرانی، ۱۳۷۶: ۲۵۲). ولی استقلال رسمی افغانستان از ایران به دنبال معاهده پاریس به سال ۱۸۵۷ برمی‌گردد (علی آبادی، ۱۳۷۵: ۱۲۴). پس از آن افغانستان تحت سلطه انگلستان قرار گرفت و استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ به وسیله امان الله از انگلیس اعلام شد (مرکز تحقیقات افغانستان، ۱۳۷۰: ۱۶۰). به دنبال استقلال افغانستان از ایران، مسأله تعیین خط مرز در

روابط دو کشور نیز مطرح شد. خط مرز ایران و افغانستان نتیجه سه حکمیت به شرح زیر است.

مسیر بین دهانه ذوالفقار (مرز مشترک ایران، افغانستان و ترکمنستان کنونی) تا دشت هشتادان که شامل خط القعر رودخانه هریرود نیز می‌شود، این مسیر در سال ۱۸۹۱ با حکمیت ژنرال مک لین (که سر - کنسول بریتانیا در مشهد بود) تعیین حدود شد.

مسیر موسی‌آباد (علامت شماره ۳۹) تا سیاه کوه (علامت شماره ۹۵)، این مرز در ادامه مسیر حکمیت مک لین با حکمیت ژنرال آلتای از ترکیه در سال ۱۹۳۵ تعیین حدود شد (حافظ نیا، ۱۳۸۳: ۷۱).

مسیر سیاه کوه تا کوه ملک سیاه (یا منطقه سیستان): این مسیر دو مرتبه و به وسیله دو حکمیت تعیین حدود شد. بار اول در سال ۱۸۷۲ با حکمیت گلداسمیت صورت گرفت. در مرحله اول سیستان را به دو بخش سیستان درونی و سیستان بیرونی تقسیم کرد (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۳۸۲). به این ترتیب سیستان سرزمین باستانی ایران که تحت حاکمیت مطلق ایران بود به بهانه دوران بسیار کوتاهی که احمد شاه در ۱۷۴۷ به آن تجاوز کرد به دآوری امپراطوری بریتانیا برده شد و به دو قسمت تقسیم شد. ۴۱۵۹ مایل مربع آن به افغانستان داده شد و ۲۸۴۸ مایل مربع آن در اختیار ایران ماند. افغان‌ها که خود در دام طرح‌های پیچیده‌ی انگلیسی‌ها بودند به طور طبیعی از اقدامات این گونه، در عمل متحیر بودند. شاه رأی حکمیت گلداسمیت را نپذیرفت تا این که در سال ۱۸۷۳ از لندن دیدار کرد و در آن جا تحت فشار سنگین قرار گرفت و سرانجام رضایت داد (اسناد سازمان ملی، سند شماره ۴۸۳۵-۲۹۶۰۰) و شاخه اصلی هیرمند به عنوان مرز دو کشور تعیین شد، بار دوم این مسیر به وسیله مک ماهون و در سال ۱۹۰۳ در اثر تغییر بستر هیرمند تعیین حدود شد. او در حقیقت مرز تعیین شده گلد اسمیت را تأیید و حدود ۲/۳ از آب هیرمند را به افغانستان و ۱/۳ آن را به ایران واگذار کرد (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۳۵).

قراردادی در ۱۶ ماده به همراه اعلامیه آن در تاریخ ۸ دی ماه ۱۳۱۷ در کابل با علی محمد خان وزیر امور خارجه افغانستان امضاء کند که طی آن در ماده اول قرار داد دو کشور میزان آبی را که به بند کمال خان می‌رسید به طور نصف نصف تقسیم می‌کردند.

همچنین در ماده دوم قرار داد دولت افغانستان متعهد می‌شد که از چهار برجک تا بند کمال خان کانال احداث نکرده و حتی تعمیر نکنند. طبق ماده هشتم قرارداد نیز طرفین موافقت می‌کردند که از بند کمال خان تا ده دوست محمد خان و سیخ سر که آخرین مکان تقسیم آب است اقداماتی که باعث کاهش سهم آب مقابل گردد، انجام ندهند. بقیه مفاد قرار داد مربوط به ایجاد تأسیساتی بر روی رودخانه و نحوه تقسیم و توزیع آب توسط مأمورین طرفین و تاریخ اجرای قرارداد و... بود. اعلامیه ضمیمه قرارداد نیز افغانستان را از انجام اقداماتی که سبب کاهش سهم آب ایران در بند کمال خان و ضرر رساندن به زراعت و آبیاری سیستان گردد منع می‌کرد (اسناد سازمان ملی، قرارداد ۱۳۱۷). در سال ۱۳۳۲ افغانستان با تکمیل سدهای مخزنی ارغنداب و کجکی محدودیت بیشتری برای جریان آب رودخانه هیرمند به سمت سیستان ایجاد کرد. آبیگری سدهای مذکور موجب کاهش جریان آب به سمت سیستان و قطع آن در دوره‌های کوتاهی شد که منجر به وارد آمدن خساراتی به مردم سیستان و انجام اعتراضاتی از جانب آنها شد. پس از اعلام نظرات کمیسیون بی‌طرف هیرمند افغان‌ها سعی کردند تا میزان آب جاری به سیستان را به ۲۲ متر مکعب در ثانیه محدود کنند.

دو کشور با ادامه مذاکرات سال ۱۳۴۵ سرانجام در ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ ش. موفق به امضاء معاهده تقسیم آب هیرمند شدند. براساس این معاهده مقدار آبی که از رود هیرمند در سال طبیعی و پر آبی از طرف افغانستان به ایران تحویل داده می‌شد به طور متوسط ۲۲ متر مکعب در ثانیه (طبق نظر کمیسیون بی طرف هیرمند) و یک مقدار اضافی به میزان ۴ متر مکعب در ثانیه بود که این میزان در سال‌های کم‌آبی کاهش می‌یافت و دولت ایران نمی‌توانست بر بیشتر از این میزان حتی در صورت وجود میزان بیشتری از آبی در دلتای هیرمند ادعا داشته باشد (اسناد سازمان ملی، قرارداد ۱۳۵۱ ش). قرارداد ۱۳۵۱ در تابستان ۱۳۵۲ به مجلس شورای ملی ایران ارائه شد که موجب مخالفت‌های شدیدی بر ضد آن گردید ولی با وجود این، قرارداد از تصویب مجلس شورای ملی ایران گذشت. این قرارداد در افغانستان نیز به تصویب مجلس شورای ملی و سنای این کشور رسید، اما تغییر رژیم پادشاهی افغانستان در تیر ماه ۱۳۵۲ در اثر کودتای سردار محمد داود خان، مانع از مبادله اسناد معاهده هیرمند شد. بعد از شکل‌گیری دولت جدید در افغانستان ایران سعی کرد که کمک‌های اقتصادی به افغانستان را ادامه دهد و با انجام طرح‌های مشترک بر روی هیرمند و

خرید آب از آن کشور آب مورد نیاز سیستان را تأمین کند اما تعارض در دیدگاه‌های دو طرف مانع از دستیابی به توافق بین آنها شد.

بر اساس حکمیت‌های مزبور ایران و افغانستان تا سال ۱۹۳۶ تثبیت شد و تاکنون اختلافی بر سر خط مرز دو کشور بروز نکرده است، ولی اختلاف بر سر تقسیم آب هیرمند همچنان باقی است. گاهی اوقات برای دسترسی به آب هیرمند اختلافاتی بروز می‌کند که منجر به مذاکرات دو جانبه می‌شود. به طوری که ۱۲ مورد بحران دیپلماتیک و ۲۷ مورد مذاکره دو جانبه برای حل و فصل آن سبب شده است (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۳۸). علاوه بر این در دوره جدید استقرار حکومت در افغانستان (۱۳۸۰ هـ. ش.) و در جریان دیدار سران دو کشور از پایتخت‌های یکدیگر مساله آب هیرمند جزء موضوعات مورد مذاکره بود، به طوری که در بند ۱۳ یادداشت تفاهم سران دو کشور در تهران به اجرای معاهده سال ۱۳۵۲ برای تقسیم آب هیرمند تأکید شد. همچنین بین ایران و افغانستان، اختلاف ارضی کوچکی در منطقه اسلام قلعه وجود دارد که هنوز بدون حل باقی مانده است و مذاکرات سال ۱۹۷۵ نیز نتوانسته است آن را برطرف کند (فولر، ۱۳۷۳: ۲۵۸).

#### قراردادها و پیامدهای آن در مورد رود هیرمند میان ایران و افغانستان

زمان	قرارداد یا عهدنامه	سال	پیامدها
قبل از انقلاب اسلامی	عهدنامه پاریس	۱۲۳۶	تعهد دو کشور برای مکان مرز از سوی دولت انگلستان
	حکمیت گلد اسمیت	۱۲۵۰	تعیین مرز در شاخه ی اصلی هیرمند (پریان مشترک) و بی توجهی به نظام حقوقی رودخانه.
	حکمیت مک ماهون	۱۲۸۲	تأیید مرز قبلی با وجود تغییر مسیر رودخانه و کاهش یافتن سهم آبی ایران از ۶۲ درصد به ۳۳ درصد، با آگاهی داشتن از نیاز آبی ایران که عملکردی خلاف واقعیت طبیعی و تنها برای حفظ منافع بریتانیا بوده است.
	عهد نامه مودت	۱۳۰۰	ایجاد روابط دوستانه و فصل جدید در روابط سیاسی دو کشور بعد از استقلال سیاسی افغانستان.
	عهدنامه و دائیه و تأمینیه	۱۳۰۶	در پی ایجاد و تحکیم روابط دو کشور.
	حکمیت فخرالتای	۱۳۱۴	نخستین مذاکره ی مستقیم و پذیرش تنصیف آب و توافق نداشتن بر سر مکان تقسیم آب.
	عهدنامه عدم تعرض سعدآباد	۱۳۱۶	بر کم آبی تیر ماه سال ۱۳۱۵ در اثر ساخت بند لخشک از سوی افغانها و تخریب آن از سوی کشاورزان سیستانی، تکوین قراردادی برای تقسیم نصف به نصف آب هیرمند از بند کمال خان تا بند لخشک به مدت یک سال و تمدید آن در سال ۱۳۱۶ در پیمان سعدآباد.

زمان	قرارداد یا عهدنامه	سال	پیامدها
بعد از انقلاب اسلامی	تشکیل کمیسیون بی طرف	۱۳۲۷	در نتیجه خشکسالی ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ به پیشنهاد آمریکا و تعیین حق آبه ایران به طور متوسط ۲۲ متر مکعب در ثانیه، تضعیف موضع ایران در برابر حقوق آب هیرمند.
	معاهده تقسیم آب	۱۳۵۱	افزایش ۴ متر مکعب بر ۲۲ متر مکعب مقرر کمیسیون بی طرف و تصویب آن از مجلس دو کشور، اما کودتای افغانستان مانع از مبادله اسناد شد.
		۱۳۵۷	رخداد انقلاب اسلامی و حمله ی شوروی به افغانستان و فراموشی طرح های مشترک و کنترل نکردن آب هیرمند از سوی افغان ها.
		۱۳۷۵	به قدرت رسیدن طالبان، خشکسالی هولناک و دیدگاه های متضاد دو کشور و زمینه فراهم شدن قطع کامل آب هیرمند از سوی افغان ها.
		۱۳۸۰	حکومت انتقالی افغانستان، و تأکید دو کشور بر اجرای معاهده ی ۱۳۵۱.
		۱۳۸۴	گفته های متناقض از سوی مقامات دو کشور و در عین حال انجام همکاری های بدون قابلیت اجرایی.

## تأثیر بازارچه مرزی میلک در روند روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان:

این بازارچه بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی و در راستای اهداف گوناگون سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۳۷۰ ایجاد شد و یکی از اهداف آن رسمی کردن مبادلات میان مردم ایران و کشور همسایه (افغانستان) بود. از دیگر اهداف آن ایجاد اشتغال برای مردم بومی و بالا بردن درآمد آنان از طریق تبادل کالاها، جلوگیری از قاچاق مواد مخدر، حفظ ثبات و امنیت مرزی منطقه، همکاری با نیروی انتظامی و بهبود مسائل اجتماعی و فرهنگی مردم این منطقه بوده است. این بازارچه در جوار روستای میلک و در جوار رودخانه ی مرزی پریان مشترک و در نزدیکی شهر زرنج مرکز ولایت نیمروز افغانستان قرار دارد. به لحاظ بازار مناسب کشور افغانستان تنوع صادراتی فعال در این بازارچه بیش از سایر بازارچه ها می باشد. خشکسالی های پی در پی در استان سبب شده تا بسیاری از افراد بومی منطقه در قالب غرفه دار و یا کارگران خدماتی در بازارچه مشغول به کار شوند. بحران خشکسالی از یک سو و حجم مبادلات کالا از سوی دیگر سبب شد که مسئولین را به فکر ایجاد منطقه ویژه تجاری برای سیستم بیندازد که این نیز به نوبه خود در جهت شکوفایی و رشد اقتصادی منطقه مفید و مؤثر خواهد بود. در اهمیت منطقه میلک همین بس که بدنبال تحولات



افغانستان و برقراری روابط سیاسی در راستای برقراری مبادلات تجاری و بازرگانی حسب تصمیمات دولت‌ها (ایران و افغانستان) دو کشور پل مرزی میلک که می‌تواند در رونق تجاری و اقتصادی و ترانزیت منطقه مفید و مؤثر باشد، در جوار بازارچه مرزی میلک افتتاح و مورد بهره برداری تجار و بازرگانان قرار گرفت.

بازارچه مرزی میلک بین مرز ایران و افغانستان واقع شده است که از طریق آن مبادلات بین دو کشور صورت می‌گیرد. در شش ماهه نخست سال ۱۳۸۹ میزان صادرات شامل انواع مواد غذایی، مصالح ساختمانی، فرش ماشینی، لوازم خانگی، صنعتی، انواع پلاستیک و انواع تره بار از طریق ۵۰ غرفه دار روی هم به وزن ۴۹/۰۰۰ تن به ارزش ۲۱/۰۰۰/۰۰۰ میلیون دلار (معادل ۲۱۲/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیارد ریال) از طریق پل ابریشم به کشور بوده که این میزان در مقایسه با مدت مشابه سال قبل از لحاظ وزنی ۳۵٪ و از لحاظ ارزی (دلاری) ۲۳ درصد افزایش داشته است و واردات دام زنده از کشور مقابل که پس از قرنطینه به داخل کشور وارد شده ۶/۰۰۰ رأس دام زنده سنگین بوده است. با توجه به تکمیل دیوار مرز و جلوگیری از قاچاق کالا در این منطقه همچنان رشد و گسترش صادرات از این بازارچه را شاهد هستیم. در ۶ ماه نخست سال ۱۳۹۰ میزان صادرات شامل انواع مواد غذایی، مصالح ساختمانی، لوازم خانگی، صنعتی و غیره به وزن ۳۷/۰۰۰ هزار تن به ارزش ۲۲/۰۰۰/۰۰۰ میلیون دلار بوده که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل افزایش ۶ درصد صادرات را نشان می‌دهد. در زیر آمار مربوط به واردات و صادرات انجام شده از طریق بازارچه‌های مرزی میلک طی دوره یک ساله مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.



پل مرزی بین ایران و افغانستان



سالن تجاری میلک

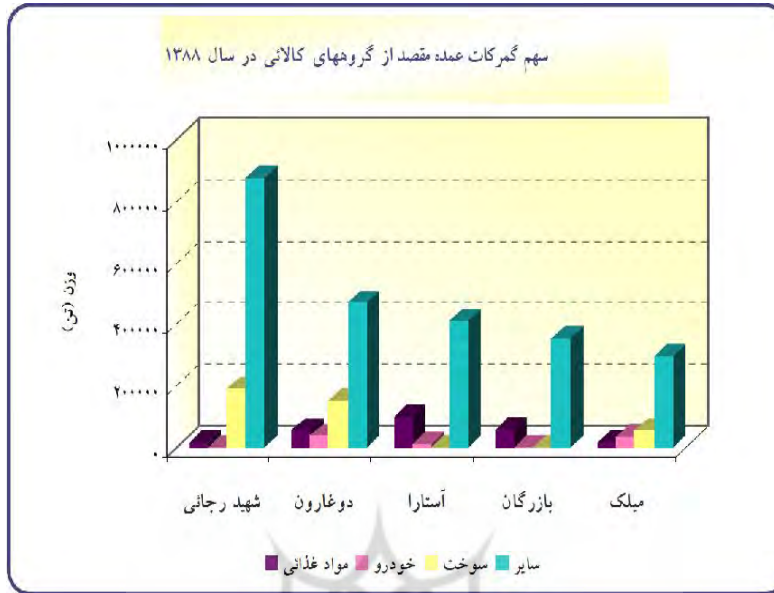
## تجزیه و تحلیل

در سال ۱۳۸۸ از میان گمرکات خروجی، شهید رجایی، دوغارون، آستارا، بازرگان و میلک به ترتیب با اختصاص ۱۵.۵۶، ۱۰.۳۰، ۷.۵۰، ۵.۸۸ و ۵.۸۳ درصد از وزن کالاهای ترانزیتی، در جایگاه اول تا پنجم قرار گرفته‌اند. این پنج گمرک در مجموع بیش از ۴۵ درصد از سهم وزنی و ارزشی ترانزیت خارجی کشور را در میان گمرکات مقصد به خود اختصاص داده‌اند. قابل ذکر است که گمرک میلک از جایگاه دوازدهم در سال ۱۳۸۷ به جایگاه پنجم در سال ۱۳۸۸ صعود کرده است.

گمرکات عمده مقصد در ترانزیت خارجی طی سال ۱۳۸۸ (از نظر وزن)

درصد تغییرات	سال ۱۳۸۷				سال ۱۳۸۸				گمرک	رتبه سال ۱۳۸۸	رتبه سال ۱۳۸۷	
	وزن	ارزش	سهم (میلیون ریال)	وزن (تن)	وزن	ارزش	سهم (میلیون ریال)	وزن (تن)				
۸۷.۶۹	۱۱۰.۸۴	۴.۸۹	۳.۳۰	۹۳۲۳۰.۸	۱۹۳۵۸۸	۷.۱۶	۵.۸۳	۱۷۴۶۶۶۷	۴۰.۸۱۶۸	میلک	۵	۱۲

با توجه به نمودار زیر، مشاهده می‌شود که سهم عمده‌های از کالاهای ترانزیت شده به مقصد گمرک شهید رجایی، دوغارون و میلک را سوخت تشکیل داده، در حالیکه در دو گمرک دیگر، این سهم عمده متعلق به گروه مواد غذایی بوده است.



پرونده‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

عملکرد مقایسه واردات بازارچه های مرزی میلک و گمشاد از ۱۳۸۸/۱/۱ لغایت ۱۳۸۸/۱۲/۲۹ نسبت به مدت مشابه سال قبل

نام بازارچه	سا ل	مقدار وزنی (kg)	درصد	ارزش دلاری	درصد	ارزش ریالی
میلک	۸۷	۱۱۰۹۶۱۰	%۴۲۷	۸۸۷۶۸۸	%۴۳۶	۸۶۶۱۵۷۴۱۵۸
	۸۸	۵۸۴۸۸۹۰		۴۷۵۹۱۵۴		۴۷۰۹۲۷۴۶۱۶۸
	۸۷					
گمشاد	۸۸	۲۸۰۰۰		۱۱۶۷۶		۱۲۰۶۷۱۸۶۸

منبع: مدیریت بازارچه های مرزی استان سیستان و بلوچستان

با توجه به جدول فوق مشاهده می شود که بازارچه های مرزی بیشتر واردات در مقابل صادرات انجام می شود و بازارچه هایی که از فعالیت خوبی با کشور و یا نزدیک ترین شهر کشور مقابل برخوردار بوده اند، وضعیت واردات و صادرات نیز در آنها بهتر بوده است.

عملکرد مقایسه ای صادرات بازارچه های مرزی میلک و گمشاد از ۱۳۸۸/۱/۱ لغایت ۱۳۸۸/۱۲/۲۹ نسبت به مدت مشابه سال قبل

نام بازارچه	سا ل	مقدار وزنی (kg)	درصد	ارزش دلاری	درصد	ارزش ریالی
میلک	۸۷	۳۹۰۶۴۸۳۰	%۶۱	۱۵۸۶۷۴۷۰	%۱۲۸	۱۵۲۲۵۱۲۸۴۹۹۹
	۸۸	۶۲۸۱۲۳۰۰		۳۶۲۲۰۳۴۳		۳۵۹۶۰۳۳۳۸۷۶۴
	۸۷	۹۶۴۵۹۰	%۵۳۰	۱۵۱۲۸۳۶	%۳۵۲	۴۲۸۲۷۷۳۷۷۲
گمشاد	۸۸	۶۰۸۰۳۴۱		۶۸۴۳۵۶۰		۶۹۳۷۷۰۶۷۲۳۵

منبع: مدیریت بازارچه های مرزی استان سیستان و بلوچستان

### تأثیر بازارچه های مرزی بر رشد تعاونی های مرز نشین

نخستین قانون مبادلات مرزی برای مرزنشینان در سال ۱۳۴۴ تحت عنوان (قانون مبادلات مرزی) به پیشنهاد هیأت دولت به تصویب رسید و بالاخره بر اساس تبصره الحاقی ماده (۴) قانون مبادلات مرزی در سال ۱۳۴۸ شرکت های تعاونی مرزنشینان در

سه استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر، تشکیل و توانستند نسبت به صدور و ورود کالاهای موضوع مبادلات مرزی و انجام تشریفات گمرکی اقدام کنند. بر اساس آن قانون، انواع کالاهایی که مرزنشینان مجاز به صدور و ورود آن بودند، مشخص و مقرر شد که هر سال برای ساکنین مرزی فوق الذکر کارت مرزنشینی صادر شود. اما در واقع کار مبادلات تنها توسط تعداد اندکی، آن هم از طریق خریداران کارت ها از دیگران انجام می پذیرفت، و از سوی دیگر در واردات کالا نیز کشش بازار مطرح نبود و از این رو با اقبال خوبی رو به رو نشد و از گستردگی لازم برخوردار نشد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، دلایلی چند باعث فعالیت مجدد تعاونی‌های مرزنشینان و رونق مبادلات مرزی شد که از آن جمله می‌توان به محدودیت‌های وارداتی و همچنین اختلاف بین نرخ ارز رسمی و بازار آزاد به ویژه امکان وجود صرفه اقتصادی در استفاده از قانون مبادلات مرزی اشاره کرد. البته استفاده از مزایای فوق به طور انفرادی برای مرزنشینان چندان میسر نبود و در نتیجه انگیزه برای تشکیل تعاونی‌های مرزنشینان قوت گرفت، به طوری که در سال ۱۳۶۱ سازمان مرکزی تعاون کشور برای هماهنگ و متشکل کردن مرزنشینان در استفاده از قانون مبادلات مرزی اقدام به تشکیل تعاونی‌های مرزی به صورت گسترده کرد.

تعاونی‌های مرزنشینان در استان سیستان و بلوچستان در سال ۱۳۶۲ تأسیس شده‌اند، اهداف اصلی ایجاد این تعاونی‌ها در استان سیستان و بلوچستان عبارتند از:

- ۱- ایجاد اشتغال؛
- ۲- جلوگیری از مهاجرت روستاییان به شهرها؛
- ۳- تأمین نیازهای اقتصادی مرزنشینان؛
- ۴- سوق دادن مرزنشینان از قاچاق به سمت یک فعالیت سالم و مشروع اقتصادی؛
- ۵- ایجاد امنیت اجتماعی و سیاسی در مرزهای زمینی.

تا سال ۱۳۸۵ تنها ۱/۶۰۰/۰۰۰ نفر از ساکنین مناطق مرزی استان تحت پوشش تعاونی‌های مرزی قرار داشتند. این عدد بر اساس آیین نامه دولت در آن سال بود که



تنها مرز نشینانی را که در فاصله ۳۰ کیلومتری از مرزها قرار داشتند را شامل می‌شد. از این رو تعدادی از ساکنین روستاهای اطراف مرزها در خارج از این تقسیم‌بندی قرار می‌گرفتند بر اساس آیین نامه جدید دولت در سال ۱۳۸۸ جمعیت تحت پوشش تعاونی‌های مرز نشین به ۸۷۷/۰۰۰ تقلیل یافته اما سهمیه ارزی اختصاص یافته به آنان رشدی ۳۱ درصدی را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

محاسبه هزینه - درآمد اعضای تعاونی مرز نشین شهرستان هیرمند سال ۱۳۸۰ به ریال

نام شرکت	تعداد اعضا	سرمایه شرکت	درآمد سالیانه	هزینه سالیانه	سود سالیانه	سود سرانه
مرز نشینان هیرمند	۷۳۸	۹۹۶۸۱۵	۲۰۸۷۷۷۳۱	۴۰۶۹۳۷۰	۱۶۸۰۸۳۶۱	۲۲۷
	۷۴	۰۰	۶۴	۰۹	۵۵	۵۲

منبع: اداره کل تعاون استان سیستان و بلوچستان

عملکرد صادرات و واردات تعاونی مرز نشین شهرستان هیرمند در سال ۱۳۷۹ به دلار

نام تعاونی	میزان صادرات	میزان واردات
مرز نشینان هیرمند	۳۵۰۴۲۸۰	۲۸۷۱۰۷۶

منبع: اداره کل تعاون استان سیستان و بلوچستان

عملکرد تعاونی‌های مرز نشین استان سیستان و بلوچستان

ارزش: میلیون دلار - وزن: هزار تن

عملکرد	سال ۸۴	سال ۸۵	سال ۸۶	سال ۸۷
ارزش	۷۱	۲۴/۸	۱/۸	۸۴۵ هزار دلار
وزن	۹۰	۷۳	۱	۱
ارزش	۵۶	۱۶	۰	۳۷۱ هزار دلار
وزن	۸۲	۴۵	۰	۸۶۵ تن

منبع: تعاونی مرز نشینان استان سیستان و بلوچستان

عملکرد تعاونی مرز نشین شهرستان مرزی هیرمند در ۶ ماه نخست سال ۸۸

شهرستان	سهمیه ارزی اختصاصی	تعداد اعضا	تعداد خانوار	صادرات	واردات	نسبت به سهمیه اختصاصی	نام کالای صادراتی	نام کالای وارداتی
هیرمند	۲۳۷۷۶۸۰	۳۹۶۲۸	۷۹۲۶	۴۲۸۲۶۵	۳۵۴۲۹	٪۱۵	صنعتی - کشاورزی	برنج خوراکی

منبع: تعاونی مرزنشینان استان سیستان و بلوچستان

عملکرد وارداتی تعاونی‌های مرزنشینان استان سیستان و بلوچستان

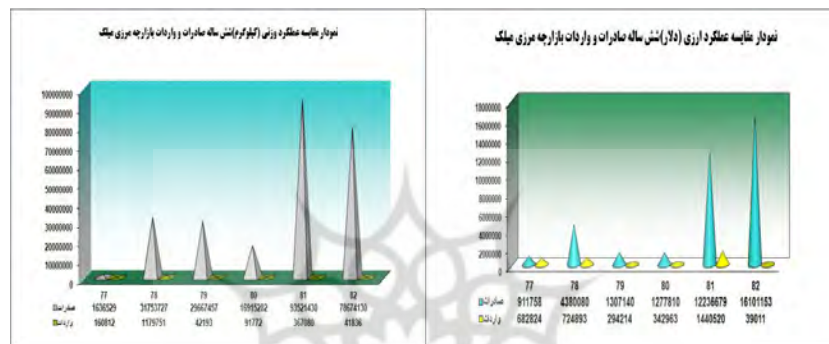
تا پایان سه ماهه سوم ۱۳۸۰ به دلار

ردیف	نام تعاونی	ارزش به دلار	درصد
۱	مرزنشینان میرجاوه	۵۰۵۰۶۵	۳/۴
۲	مرزنشینان سراوان	۳۳۸۱۲۵	۲/۸
۳	مرزنشینان سرباز شماره ۱	۳۳۸۱۷۵۰	۲/۸
۴	مرزنشینان سفیدآبه	۵۷۹۸۹۵	۴/۸
۵	مرزنشینان بندر کنارک	۱۵۰۵۳۱۰	۱۲/۶
۶	مرزنشینان زهک	۶۲۹۲۷۲	۵/۳
۷	مرزنشینان پارود	۱۶۶۰۷۲	۱/۴
۸	مرزنشینان نگور	۹۰۲۴۱۴	۷/۶
۹	مرزنشینان سرباز شماره ۲	۴۳۸۶۰۷	۳/۷
۱۰	مرزنشینان جالق	۴۳۸۳۹۸	۳/۶
۱۱	مرزنشینان بم پشت	۳۳۴۳۷۷	۲/۸
۱۲	مرزنشینان خواجه احمد	۲۱۵۵۳۰	۱/۸
۱۳	مرزنشینان حرمک و توابع	۲۳۹۱۰۰	۲
۱۴	مرزنشینان کوهک و اسفندق	۱۳۰۳۹۰	۱/۱
۱۵	مرزنشینان لوتک	۳۶۱۳۹۴	۳
۱۶	مرزنشینان محمد آباد	۱۶۲۵۲۶	۱/۳
۱۷	مرزنشینان ادیمی	۱۳۶۰۰۱	۱/۲
۱۸	مرزنشینان پیشین	۳۶۲۰۶۰	۳/۱
۱۹	مرزنشینان حومه خاش	۵۵۸۴۰۷	۴/۶
۲۰	مرزنشینان حومه چابهار	۳۸۳۷۱۷	۳/۳
۲۱	مرزنشینان هیرمند	۱۶۰۱۱۴۷	۱۳/۴
۲۲	مرزنشینان اورعی	۴۷۱۳۹۹	۳/۹
۲۳	مرزنشینان اشار و ایرافشان	۱۹۱۸۶۵	۱/۷
۲۴	مرزنشینان بخش مرکزی زابل شماره ۱	۱۳۰۷۳۹	۱/۱
۲۵	مرزنشینان کهیر و زرآباد	۱۱۷۳۷۴	۱
۲۶	مرزنشینان راسک و فیروزآباد	۶۷۸۴۱۰	۵/۸
جمع		۱۱۹۱۶۸۸۴	۱۰۰

منبع: اداره کل تعاون استان سیستان و بلوچستان

### مقایسه عملکرد ارزی و وزنی صادرات و واردات بازارچه مرزی میلک بین سالهای ۷۷-۸۲

از سال ۱۳۷۸ با توجه به برداشته شدن سقف ارزی در راستای توسعه صادرات غیر نفتی رشد و گسترش صادرات این بازارچه را شاهد هستیم، همان طور که در نمودار زیر مشخص است، حجم صادرات در حال افزایش می باشد.



منبع: مدیریت بازارچه مرزی میلک استان سیستان و بلوچستان

### عوامل مؤثر در کاهش روند روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان

با توجه به نمودار بالا که نشان دهنده سطح صادرات و واردات پایین میان دو کشور را در سالهای ۷۷ تا ۸۰ نشان می دهد. از جمله عوامل پایین بودن رشد عملکرد بازارچه مرزی در این سه سال می توان به موارد زیر اشاره کرد.

- ۱- فقدان آگاهی تجار دو کشور برای صادرات و واردات از طریق این بازارچه؛
- ۲- کمبود جاده های ترانزیت؛
- ۳- عدم استقرار پایانه باربری در بازارچه مرزی؛
- ۴- قاچاق کالا.



### عوامل مؤثر در گسترش روند روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان

با بررسی‌های انجام شده و با توجه به نمودار زیر که نشان دهنده‌ی رشد و فعالیت بازارچه مرزی میلک در سال‌های ۸۷، ۸۸، ۸۹ و نیمه اول سال ۹۰ است. عوامل زیر تأثیر بسزایی در رشد و گسترش صادرات و واردات میان دو کشور داشته است.



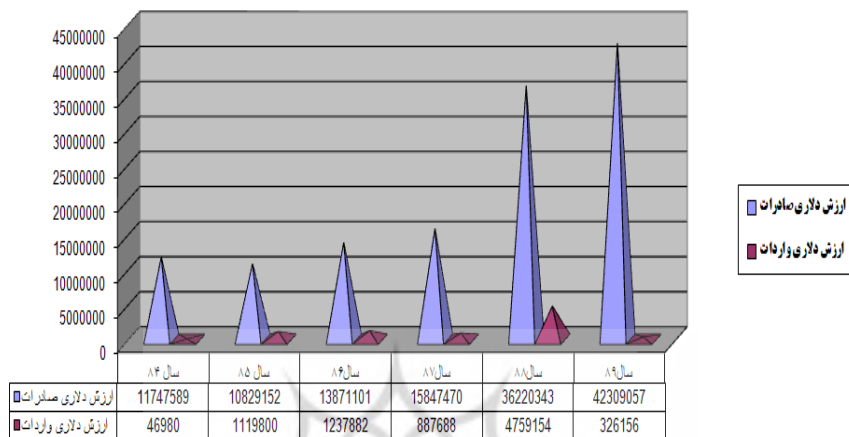
محوطه بازارچه مرزی میلک

دیوار مرزی ایران و افغانستان

- ۱- شناخت تجار دو کشور برای صادرات و واردات از طریق این بازارچه؛
- ۲- احداث جاده ترانزیت و ایجاد امکانات مناسب؛
- ۳- استقرار پایانه باربری در بازارچه مرزی؛
- ۴- احداث کارخانه سیمان سیستان و فاصله کوتاه آن تا بازارچه مرزی؛
- ۵- نیاز مبرم کشور افغانستان به اجناس کشور ایران.

با توجه به مصاحبه‌ای که با مدیریت بازارچه مرزی در مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۵ داشته، دلیل عمده در رشد ۵۰ درصد بازارچه مرزی میلک را در تکمیل دیوار مرزی در سال ۸۸ دانسته که از قاچاق کالا در این منطقه جلوگیری کرده است.

## عملکرد صادرات و واردات بازارچه مرزی میلک



منبع : مدیریت بازارچه مرزی میلک استان سیستان و بلوچستان

## نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت این واقعیت روشن می‌شود که اختلافات میان ایران و افغانستان بر سر آب هیرمند از تاریخ تقسیم سیستان ایجاد شده است و اصولاً علت اصلی این منازعات سیاست تفرقه اندازانه امپراتوری بریتانیا در قرن ۱۹ با هدف ایجاد حریم امنیتی در مقابل روسیه بوده است. بررسی حکمیت‌ها، معاهده نامه‌های مرزی هیرمند بین دو دولت ایران و افغانستان طی یک سده اخیر نشان می‌دهد که همواره قدرت‌های سلطه گر در تشدید منازعات مرز آبی دو دولت در منطقه سیستان نقش مؤثر ایفا کرده‌اند. بررسی‌های گذشته نشان داد که اختلاف اساسی بر سر نحوه تقسیم آب هیرمند و دیگر حقوق مربوط به این رودخانه بین‌المللی با گذشت سال‌ها و علی‌رغم انعقاد عهدنامه‌های متعدد همچنان پابرجا می‌باشد و به‌ویژه در نیم قرن اخیر شدت یافته است. زیرا افغان‌ها بدون توجه به اصل و مقررات حقا به رودهای مرزی با احداث سد، کانال و بند انحرافی بیش از نیمی از آب هیرمند را قبل از رسیدن به مرزهای ایران

منحرف کرده‌اند، بررسی تاریخ احداث سدها و نهرهای حوضه هیرمند در خاک افغانستان نشان می‌دهد که ۹۰ درصد آنها از حکمیت ماکماهون به بعد ساخته شده‌اند. که این خود گویای نقض آشکار قوانین بین الملل از سوی دولت افغانستان است، زیرا این سدها در زمانی احداث شده‌اند که طبق حکمیت گلداسمیت و سایر معاهده نامه‌ها هیچ‌یک از طرفین مجاز به احداث نهر یا سد در سواحل رود نبوده‌اند. بر اساس حقوق حاکم بر رودهای بین‌المللی، هیرمند رودی بین‌المللی است و تمام مقررات حقوق بین‌الملل بر آن حاکم است و بایستی دو دولت ملزم به رعایت مقررات حقوقی حاکم بر آن باشند. در این مقاله سؤال مطرح شده این است؛ آیا رودخانه و بازارچه مرزی شهرستان هیرمند به عنوان دو عامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی این شهرستان در برقراری امنیت اجتماعی شهرستان هیرمند و روابط اقتصادی بین ایران و افغانستان تأثیرگذار بوده است؟ با توجه به سؤال فوق فرضیه زیر برای محدودسازی تحقیق در نظر گرفته شده است.

به نظر می‌رسد با توجه به فقدان راه‌های تجاری دیگر میان ایران و افغانستان عوامل ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی شهرستان هیرمند در روند رشد روابط اقتصادی و برقراری امنیت در این شهرستان مؤثر بوده است.

رود هیرمند به عنوان عامل ژئوپلیتیک شهرستان مرزی هیرمند مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. رود مرزی هیرمند تأثیر زیادی بر روابط سیاسی ایران و افغانستان گذاشته است، هر گاه آب رودخانه به هر دلیلی کاهش یافته تنش سیاسی بین دو کشور افزایش یافته و نقش روابط سیاسی دو کشور را می‌توان با رودخانه هیرمند گره زد، زیرا زندگی مردم این منطقه (شمال سیستان و بلوچستان) و تأمین آب شرب مرکز استان نیز به این رودخانه بستگی دارد و همچنین تالاب هامون نیز که یکی از هفت تالاب آب شیرین بین المللی ایران است که کمبود آب رودخانه هیرمند باعث از بین رفتن اکوسیستم تالاب هامون می‌شود که این عوامل خود موجب تنش سیاسی و بحران بین دو کشور می‌شود. رودخانه مرزی هیرمند به دلیل عرض و عمق زیادی که دارد در اکثر فواصل سال که آب در آن جاری می‌باشد، خود به خود باعث کنترل تردهای مرزی و جلوگیری از حمل کالای قاچاق در منطقه است که این عامل موجب کاهش تنش سیاسی

در مرز دو کشور می‌شود. ایران به دلیل نیاز به آب هیرمند در مواردی کمک‌های فراوانی به افغانستان کرده است، کمک مالی ۵۶۰ میلیون دلاری ایران و مشارکت در بازسازی افغانستان، انتقال آب شرب و برق در استان نیمروز و احداث راه‌ها و اقتصاد شهرهای آن کشور با یکدیگر، انتقال سوخت و ارزاق عمومی و مصالح ساختمانی به‌ویژه صدور سیمان سیستان، مجموعه این عوامل در راستای روابط دوستانه و همکاری با کشور افغانستان صورت گرفته است. به‌ویژه وجود بازارچه مرزی میلک که تأثیر زیادی در خصوص صادرات و واردات داشته است.

افغانستان به دلیل دسترسی نداشتن به آبهای آزاد نزدیکترین راه و مسیر برای محموله‌های گمرکی افغانستان از طریق چابهار - هیرمند است و در زمانی که تنش‌های سیاسی آن با کشور پاکستان زیاد می‌شود، این منطقه نقش و اهمیت فزاینده‌ای به خود می‌گیرد. بنابراین در نتیجه‌گیری کلی می‌توان اینگونه به سؤال مطرح شده پاسخ داد که نیاز ایران به آب هیرمند باعث شده تا ایران کمک‌های مالی و مشارکت زیادی در بازسازی افغانستان داشته باشد و وجود بازارچه مرزی به عنوان عامل ژئواکونومی و نیاز افغانستان به کالاهای ایران و عدم دسترسی آن به آب‌های آزاد و انتقال محموله‌های گمرکی آن از طریق پایانه مرزی میلک باعث افزایش روابط اقتصادی و سیاسی بین دو کشور شده است اما وجود نیروهای خارجی در این کشور و کمبود آب و جلوگیری از ورود آب به داخل ایران و کاهش روابط اقتصادی باعث تنش‌های سیاسی بین دو کشور می‌شود.

### پیشنهادها

۱- از آنجا که رودخانه هیرمند به عنوان یک منبع آبی مشترک (بین‌المللی) میان ایران و افغانستان شناخته می‌شود و در طول قرن‌های متمادی به وسیله ساکنان سیستان به عنوان یک واحد جغرافیایی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفته است، تا کنون نیز باید این واقعیت را بپذیریم که مهم‌ترین و اساسی‌ترین راهبرد، همانا انجام گفتگو و تعامل گسترده و فراگیر با دولت افغانستان است. همین‌طور از طریق بسط روابط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تأکید بر حسن همجواری با

ملت و دولت افغانستان می‌توان بر مشکلات ایجاد شده ناشی از کاهش آب رودخانه هیرمند غلبه کرد.

۲- با توجه به برقراری دولتی قانونی در افغانستان، پیشنهاد می‌شود که مذاکرات اصولی بین ایران و افغانستان در ارتباط با تقسیم عادلانه آب هیرمند صورت گیرد و دولت افغانستان متقاعد شود که سهم آب ایران از رودخانه هیرمند را طبق مقررات رودخانه های بین المللی رعایت کند و سازمان‌های بین‌المللی ناظر بر حسن اجرای قرارداد تشکیل شود.

۳- از این رو با توجه به وجود حوضه آبرگیر هیرمند در فضای سرزمینی افغانستان، پایداری روستاهای سیستان، صرفاً در چارچوب توسعه روابط سیاسی - اقتصادی با دولت افغانستان و همکاری این دولت برای عرضه آب مورد نیاز امکان پذیر خواهد بود.

۴- تسریع در روند اتمام بزرگراه چابهار - میلک، ضمن ارتباط بازارچه‌های شمال و جنوب استان سیستان و بلوچستان به یکدیگر خود موجب تقویت بازارچه‌های کوچک و تازه تأسیس شده و این خود شرایط را برای رشد متوازن در استان فراهم و سبب ارتقاء شاخص‌های مثبت اقتصادی در استان خواهد شد.

۵- کاهش ضرایب مالیاتی بر کالاهایی که از طریق بازارچه‌ها وارد می‌شوند، کمک مؤثری به روند تجارت فعال در بازارچه‌ها منجر می‌شود.

۶- تقویت مراکز روستایی (دهستان‌ها و شهرهای کوچک) مناطق مرزی کشور به منظور افزایش درآمد آنان و ایجاد جاذبه ماندن در این مناطق اهمیت قابل توجهی دارد و تسهیل در چنین مواردی در قالب برنامه‌های ویژه در چارچوب برنامه‌های چشم‌انداز و برنامه‌های بلندمدت ضروری به نظر می‌رسد و توجه مسئولان نظام به محرومیت زدایی، ایجاد رفاه و آبادانی مناطق مرزی و نیز تغییر کاربری برخی از کارخانه های زیان‌ده در استان به منظور اشتغال زایی حائز اهمیت است.

- ۷- در این منطقه سرمایه‌گذاری در زمینه احداث کارخانجات تولیدی که محصولات آنها دارای بازار پر کششی در افغانستان می‌باشد، بسیار ضروری است.
- ۸- با توجه به بسته شدن مرزهای استان، باید با حمایت بیشتر دولت از بازارچه‌ها از طریق روشن کردن افکار عمومی به کمک رسانه‌ها و نیز استفاده از مشوق‌های قانونی مرزنشینان را به سوی تجارت قانونمند از طریق بازارچه‌ها سوق دهد.
- ۹- فرهنگ‌سازی به منظور استفاده صحیح مرزنشینان از معافیت‌ها و تسهیلات اعطایی ضروری است.
- ۱۰- بالا بردن سطح درآمد مرزنشینان با ایجاد اشتغال مولد و کاهش یا حذف تعرفه‌ها و موانع گمرکی در بازارچه‌های مرزی.
- ۱۱- صدور خدمات تخصصی با ایجاد غرفه‌های خدماتی در بازارچه، در راستای کاهش فعالیت گروه‌های قاچاق.
- ۱۲- جذب سرمایه‌گذاران با استفاده از تشویق‌های صادراتی، کاهش تعرفه‌های گمرکی و حذف مقررات دست و پاگیر اداری خصوصاً در سیستم گمرک.
- ۱۳- ارتباط دادن بیشتر مردم در امورات دولتی و دادن مسئولیت تأمین امنیت شهرهای مرزی توسط خود مردم.

## منابع

- احمدی، حسن (۱۳۷۸). جغرافیای تاریخی سیستان. چاپ اول، نشر مؤلف.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۷). روابط خارجی ایران. چاپ هشتم، تهران: نشر قومس.
- بای، یارمحمد (۱۳۸۴). هیدروپولیتیک رودهای مرزی. تهران: انتشارات مؤسسه و فرهنگی مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها، ترس. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بی‌نا. تحلیل رژیم جریان رود هیرمند. دفتر مطالعات آب و محیط زیست.
- بی‌نا (۱۳۸۷). مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آن. تهیه و تنظیم: اداره کل مقررات و صادرات و واردات وزارت بازرگانی، تهران.
- پرسکات، جی. آر. وی (۱۳۵۸). گرایش‌های تازه در جغرافیا سیاسی. ترجمه حیدر دره‌میر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پیر بوداقی، یوسف (۱۳۷۹). بررسی عملکرد بازارچه های مرزی سرو و نقش آن در رشد و توسعه اقتصاد منطقه‌ای. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
- جعفری، عباس (۱۳۷۶). گیتاشناسی ایران. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی و کارتوگرافی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی. تهران: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۳). تحلیل کارکردی مرز بین‌المللی: مرز ایران و افغانستان. فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۴.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹). تعریفی نو از ژئوپلیتیک. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۵۸ و ۵۹، مقاله شماره ۴۸۸.
- ژناروید اتوتایل و دیگران (۱۳۸۰). اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم. ترجمه محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- سازمان اسناد ملی ایران، محل در آرشیو (۶۱۴ پ ۳ آرا) سند شماره ۲۹۶۰۰۴۸۳۵.

- عزتی، عزت الله؛ ویسی، هادی (۱۳۸۵). تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران و هند. فصلنامه ژئوپلیتیک ایران.
- علی آبادی، علیرضا (۱۳۷۵). افغانستان. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- فتح الهی، سعید و همکاران (۱۳۹۰). نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت اقتصادی مناطق مرزی مهران. فصل‌نامه علمی تخصصی دانشکده علوم و فنون مرز، سال دوم، پیش شماره ۲.
- فخاری، غلامرضا (۱۳۷۱). اختلافات دولتین ایران و افغانستان در مورد رود هیرمند. دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳). قبله عالم - ژئوپلیتیک ایران. ترجمه عباس مخبر، تهران: انتشارات مرکز.
- کامران، حسن؛ احمدی پور، زهرا؛ قلی زاده، علی ولی (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل نقش خزر در معادلات ژئوپلیتیک منطقه‌ای. فصلنامه جغرافیا، شماره ۳.
- کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید). تهران: جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم.
- گروهی از پژوهشگران (۱۳۷۶). افغانستان. ترجمه اعلم و ارباب شیرانی، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۸). امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران. ترجمه حمیدرضا ملک و محمد نوری، تهران: شیرازه.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۷). مرزهای شرقی ایران. فصلنامه گفتگو، شماره ۲۱.
- مرکز تحقیقات افغانستان (۱۳۷۰). مجموعه مقالات پیرامونی افغانستان. تهران: نمایندگی مقام معظم رهبری در امور افغانستان.
- میر حیدر، دره (۱۳۶۹). تحلیل رفتار بین‌الملل بر اساس یک مدل ژئوپلیتیکی. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال پنجم.
- میر حیدر، دره (۱۳۷۱). مبانی جغرافیای سیاسی. تهران: انتشارات سمت.
- نامی، محمد حسن؛ محمدپور، علی؛ عباسی، علیرضا (۱۳۸۸). تحلیل جایگاه ژئواکونومیک ایران در خاورمیانه. فصلنامه ژئوپلیتیک، سال پنجم، شماره دوم.
- نصری، غدیر (۱۳۸۱). معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت. نشریه تحقیقات استراتژیک، شماره ۲۶.
- J. C. Plano & R. Olton, The International Relations Dictionary, (California: Longman , ۱۹۸۸.)
- Glassner, Martin (۱۹۹۲), Political Geography . Singapore.



- Goetschel, Laurent, (۱۹۹۹), Globalization and security: The Challenge of Collective Action, Expertenkollegium, Der Evangelische Akademische Loccum, Vol. ۱۰: bis ۱۲.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی